مدیریت شهری
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016
۱۳۹-۱۵۴
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۶/۲۳ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۲/۱

تبیین مولفه های معماری حاکم بر بناهای عبادی از منظر حکمی و پدیدارشناسی

فرزانه هدفی*- دکتری تخصصی معماری، هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد هریس، دانشگاه آزاد اسلامی، هریس، ایران.
رامین مغانی قهرمانلویی- کارشناسی ارشد معماری، گروه هنر و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده
از دیرباز مکان‌های عبادی، غایی ترین بستر تکامل و تعالی روحی آدمیان بوده و معماری روحانی و قدسی محیطی جهت عبادت جمعی مومنین خلق نموده است. در این بین و از میان ادیان الهی جنبه اجتماعی عبادت در اسلام پررنگ تر بوده و مکان خلق شده برای این عبادت جمعی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین دلیل پژوهشگران و صاحب نظران در بررسی و نگرش به معماری اسلامی بناهای عبادی، از روش های متعددی بهره گرفته اند؛ به نحوی که هر یک از نظریه پردازان در گذر زمان با نگرش های متفاوت پدیده معماری اسلامی را تفسیر کرده اند. نکته حائز اهمیت این است که پدیدارشناس در روند شناخت تنها به قدرت تعقل و تفکر بسنده نموده است و در مقابل، محقق و پژوهشگر معماری اسلامی علاوه بر قدرت تعقل و تفکر با بهره گیری از نگاه حکمت آمیز و احکام اسلامی به معماری بناهای عبادی معرفت پیدا می کند. هدف این مقاله بررسی حکمت و پدیدارشناسی به عنوان دو روش شناخت شناسی مطرح در میان شیوه های نگرش به معماری اسلامی، و بررسی و تجزیه و تحلیل این روش ها در بازشناخت بناهای عبادی مندرج در این مقاله است. روش تحقیق در این مقاله از نوع کیفی و به صورت توصیفی- تحلیلی بوده که در آن به تحلیل موردی بناهای عبادی ایرانی می پردازد و نتایج حاصل از این مقاله، قرائت از مولفه های قدسی در ساختار و فرم بناهای عبادی به عنوان انگاره های قدسی حاکم بر طراحی فضاهای عبادی می باشد. روش نتیجه گیری این مقاله بصورت استنتاجی است که به طریق استدلال، گواه و شاهد از بحث های قیاسی حاصل می‌آید. بدین ترتیب، یافته های تحلیلی این مقاله، به بازشناخت مولفه های ارتقا دهنده معماری مساجد ایران منجر گردیده که تاثیر و نحوه حضور این مولفه ها در معماری مساجد و کهن الگوها به صورت شماتیک ارایه و تحلیل شده است. فرآیند تحلیل در این مقاله منجر به جستجوی کیفیتی شده است که بیش از هر چیز بر ارتقاء مولفه های بنیادین در بخش های مختلف معماری مساجد تکیه دارد.
واژگان کلیدی: فضاهای عبادی، حکمت، پدیدارشناسی، مولفه های معماری اسلامی.

Architectural component of the religious monuments of philosophical and phenomenological perspective

Abstract
Traditionally places of worship, the most ultimate bed and the spiritual evolution of mankind and the spiritual and sacred architecture believers has created a platform for collective worship. In between and among religions and social aspects highlighted that place of worship in Islam are created for the collective worship, is of utmost importance. That's why researchers and experts in Islamic architecture reviews and attitude to religious monuments, numerous methods have been used. So that each of theorists over time with different attitudes have interpreted the phenomenon of Islamic architecture; It is important to note that phenomenology in the process of cognitive reasoning and thinking power is sufficient. In contrast, the scholar of Islamic architecture in addition to enjoying the look of contemplation wisdom and knowledge of Islamic law to become liturgical architecture; this study philosophy and phenomenology, reviews and analysis in this way is recognition of religious monuments. The research method is qualitative and descriptive - analysis. In the case of religious buildings in Iran; and the results of this paper, readings from sacred component in the structure and form of worship as the notion of sacred buildings in the design of places of worship. Thus, the analytical findings of this paper is to identify factors that influence led promoting Iranian mosques architecture and how the presence of these components in the architecture of mosques and archetypes is schematically presented and analyzed; The process leading to the search for quality has been analyzed in this article; that more than anything in the promotion of the fundamental components in different parts of the mosque convenience.
Key words: places of worship, wisdom, phenomenology, elements of Islamic architecture.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۳۷۶۵۴۵۳، رایانامه: Farzanehadafi@gmail.com
مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم بوده که بدینوسیله از معاونت پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی هریس قدردانی می گردد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

مقدمه

بررسی و تحقیق پیرامون بناهای عبادی از مهمترین موضوعات مورد توجه معماران و شرق شناسان است. با بازنگری معماری بناهای عبادی در گذر زمان این نتیجه حاصل می شود که در طول تاریخ وجود نگرشی احترام آمیز و همراه با تقدس به بناهای عبادی در معماری اسلامی سبب شده، انسان همواره با مقدس و ملکوتی شمردن آن در حفظ و تکریم آن اهتمام ورزد. لیکن در عصر کنونی به دلیل گسترش نگرش بهره وری هرچه بیشتر معماری، تسلط عملکرد بر ماهیت بنا و اولویت دهی به رفع نیازهای کنونی معماری، محتوا و معنی در معماری بناها از جمله بناهای عبادی تغییر یافته و حتی منجر به افول معماری قدسی شده است. بنابراین بنظر می رسد بازخوانی ایدئولوژی و جهان بینی محتوایی انسان عصر کنونی نسبت به معماری بناهای عبادی کهن در احیا معانی بکار گرفته شده در آنها حائز اهمیت بوده و بازبینی گذشته از منظر رابطه معنا با معماری بناهای عبادی می تواند در بازتعریف ویژگی های فضاهای قدسی نقش موثری ایفاد نماید. ساختار محتوایی این مقاله در چند بخش تدوین گردیده است.

مواد و روشها

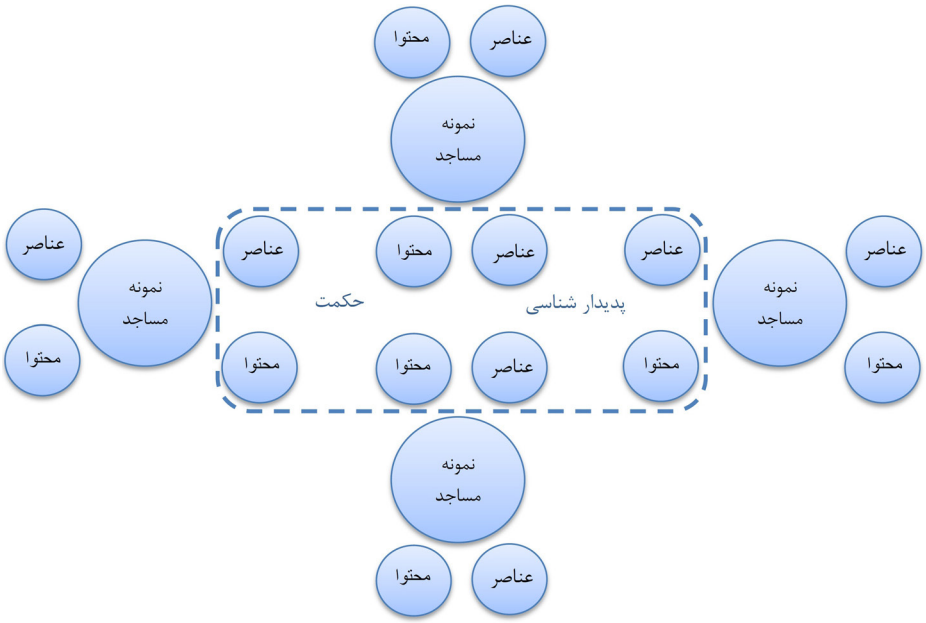
بخش اول مقاله، به معرفی بناهای عبادی و روش های شناخت معماری اسلامی مانند حکمت و پدیدارشناسی با بررسی لغوی، معنایی و محتوایی و مقایسه آنها می پردازد. بخش دوم، به بررسی نمونه های موردی بناهای عبادی پرداخته و با بهره گیری از مفاهیم حکمت و پدیدارشناسی، مولفه ها و انگاره های قدسی موثر در شکل گیری معماری بناهای عبادی را ارائه می نماید. بدیهی است به دلیل تعدد بناهای عبادی در سرزمین ها و زمان های مختلف، مطالعه تمامی آنان مقدور نبوده و در این مقاله به مطالعه معدود بناهای عبادی پرداخته شده که واجد آثار ارزشمند و تاثیرگذار در حوزه معماری می باشند. بخش سوم، به بررسی برخی از نکات و مولفه های مشترک می پردازد که در معماری بناهای عبادی در ارتباط با مفهوم پدیدارشناسی و حکمت وجود دارد و از آن به عنوان انگاره های مشترک در معماری اکثر بناهای عبادی یاد شده است. بخش چهارم، نیز به نتیجه گیری و تبیین جدول مولفه های بنیادین اختصاص دارد. پرسش اصلی مقاله این است که مولفه های مشترک کالبدی- محتوایی بناهای عبادی از منظر حکمت و پدیدارشناسی چیست؟ روش تحقیقی مورد استفاده در این مقاله بر مبنای« روش تحلیلی» می باشد که با «رویکرد تفسیری- تحلیلی» به تحلیل نمونه های موردی با تاکید بر مفاهیم حکمت و پدیدارشناسی پرداخته، از مقایسه آنها چارچوب نظری ترسیم گردیده و سپس به معرفی مولفه های قدسی در ساختار و فرم بناهای عبادی به عنوان انگاره های قدسی حاکم بر طراحی فضاهای عبادی پرداخته است. این چارچوب در (تصویر ۱) ارائه گردیده است.

مبانی نظری

فضاهای عبادی

مهمترین رکن در معماری اسلامی، کالبدی کردن باورهای معنوی و روحانی نهفته در روح و ذات اعتقادات دینی است. معماری اسلامی به دلیل استفاده از عناصر و مولفه ها، و بهره گیری از محیط پیرامون خود همواره تحت تاثیر ایدئولوژی های شکل دهنده آن قرار داشته است. گذر زمان بر معماری اسلامی، بیانگر آن است که طیف متنوعی از نگرش ها و معانی معماری اسلامی در معماری بناهای عبادی مختلف وجود داشته و سبب شده تا در معماری فضاهای قدسی رویکرد متنوعی در راستای تعامل معماری اسلامی با فضاهای عبادی شکل گیرد. فضاهای عبادی به خصوص مساجد در اسلام به عنوان اولین و با اهمیت ترین نهاد اجتماعی دارای وظایف و کارکردهای زیادی بوده، به گونه ای که افزون بر مهمترین کارکرد آن یعنی عبادت، فعالیتهایی همچون آموزشی، تجاری، نظامی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]



تصویر۱. چارچوب شکلی- محتوایی مقاله؛ ماخذ: نگارندگان.

مدیریت شهری

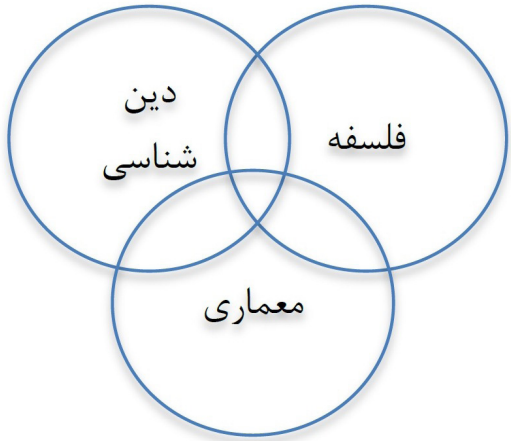
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016

و سیاسی نیز در آن جریان داشته است. مساجد به ویژه در سده های میانه، فعالیت های گسترده تری از فعالیت های غیرعبادی یافتند (هیلن براند، ۱۳۸۰، ص ۴۲). مسجد نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مومنان برای برگزاری مراسم مورد استفاده بوده، بلکه کانون معارف و احکام اسلامی، مرکز جهاد تبلیغاتی و ارشادی، قرارگاه سیاسی و اداره دولت نیز به شمار می رفته است (زرگر، ۱۳۸۶، ص ۱۴). این چنین نگرشی به مسجد بعنوان کانون عبادی از دید معماری اسلامی منجر به ایجاد مولفه های متنوعی در طراحی اثر شده و موجبات شکل گیری الگوهای متفاوتی از ارتباط معماری با این فضاها گردیده است. بنابراین معمار و طراح در سازمان دهی به معماری مسجد، الگوی متناسب با دیدگاه های مختلف را برگزیده که در این میان می توان به تناسب، عملکرد، ساختار، فرم، زیبایی، و سازه اشاره کرد که در یک روند تدریجی در معماری مساجد در طول تاریخ قابل مشاهده بوده و بنابراین فضاهای عبادی از منظر کالبد و معنا و فعالیت اهمیت داشته اند.

تلاقی دین و معماری اسلامی در معماری بناهای عبادی

بناهای عبادی در تاریخ معماری، همواره نقطه تلاقی و به اوج رسیدن هنر و معماری اسلامی بوده اند. به عبارت دیگر، معماری بناهای عبادی دارای تلاقی و اشتراکاتی است که در کالبد مساجد و در مجموعه ای از جلوه های هنری قابل مشاهده بوده و به عنوان هنر پرستشگاهی یا معماری قدسی یاد می شود. هدف غایی هنر مقدس، فراخوانی و یادآوری احساسات یا انتقال تاثرات نیست، بلکه هنر مقدس، رمز است و بدین علت جز مولفه های ساده و اولین و اصلی، از هر دستاوردی مستغنی است... هنر مقدس سرشت رمزی عالم است و بدین گونه روح انسان را از قید متعلق به واقعیات درشتناک و ناپایدار می رهاند، کاربران این نگاه، معماری را در کالبد آن نمی بینند بلکه آن را نمودی از معانی پر رمز و راز می دانند. در اینجا شی یا اثر هنری ابزاری است برای رساندن پیام های معنوی و معنایی. محققین

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]



تصویر ۲. ارتباط سه دنیای مختلف علوم؛ ماخذ معماریان، ۱۳۹۰، ص ۴۲۷.

این حوزه از دنیای فلسفه و دین شناسی و تاریخ هنر بهره می گیرند.

«تیتوس بورکهات»۱ در خصوص این ارتباط میان کالبد و هنر اسلامی با کتاب الهی چنین اظهار نموده، مهمترین حلقه ای که هنر اسلامی را با قران کریم پیوند می دهد، نه در شکل قرآن کریم، بلکه در حقیقت آن نهفته است. هنر اسلامی ذاتاً طرحی است از جنبه ها یا ابعاد وحدت الهی (بورکهات، ۱۳۷۴، ص ۵۸). وی در بیان دیگر به ارتباط نهفته در دین و معماری اسلامی اشاره می کند دین در هنر اسلامی موجود است و زمان و مکان آن را نفی نمی کند. اثر معماری مورد نظر در مدرسه و محل های متفاوت گویی نوری واحد از ورای آن متجلی می شود (صایغ، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹). در حقیقت هدف معماری اسلامی ایجاد فضایی است که بشر را در مسیر شناخت شان ازلی خویش یاری رساند و چیزی بین انسان و حضور عینی خداوند فاصله نیندازد. «سید حسین نصر» نیز معتقد است که هدف، معماری مسلمین فقط از آن جهت مطرح نیست که مسلمین موجد آن بودند، بلکه چون از معارف اسلامی نشات گرفته است و انسان را به خلوت درونی الهام الهی رهنمون می گردد، مطرح بوده و بدین صورت توانسته فضایی ایجاد کند که یاد الهی را تجسم بخشد همان گونه که قرآن تصریح دارد (پس به هرطرف روکنید، به سوی خدا رو آورده اید (بقره - ۱۱۵) (نصر، ۱۳۷۵، ص ۱۰)). در نتیجه باید به این نکته اشاره کرد که معماری فضاهای عبادی از یک ریشه اعتقادی واحد سرچشمه گرفته است که آن اعتقاد عبارت از باورهای آن هنرمندی بوده که به اسلام معتقد بوده و اسلام را دین خودش قرار داده، که بازده آن به صورت هنر تجلی یافته است (مظلومی، ۱۳۶۶، ص ۲۰۲).

حکمت

لغت نامه دهخدا حکمت را «دانایی و معرفت» معنی کرده است. در کاربردهای لغوی واژه حکمت، استواری و منع از نقص و خلل و تباهی ماخوذ و مقصود است. حکمت بر اساس تقسیم آن بر پایه قوای نفس، دو شاخه نظری و عملی را شامل می-شود. حکما از دیرباز، بر همراه بودن تحصیل و تکمیل این دو شاخه برای تحقق تعریف و معنای حکمت تاکید داشته اند. «بوعلی سینا»، در تعریفی که از واژه حکمت ارائه می کند، معتقد است بخشی از حکمت مربوط به قلمروی خارج از قلمرو اراده و عمل انسان و نیز اختیار اوست. این فلسفه نظری عبارت است از نگاه به دنیا، دیدن آن حقایق، رسیدن به آن حقایق، این حکمت، حکمت نظری است. اما حکمت عملی به لحاظ داشتن بن مایه های کاربردی و عملی برای تکمیل و تعالی نفس، با تزکیه نفس ملازم است. غایت حکمت، کمال نفس و تزکیه آن بوده است در حقیقت، حکمت، عامل اصلی فهم صحیح مسائل فلسفی است.

نصر در تبیین مفهوم حکمت در فرهنگ اسلامی می نویسد، با این تعاریف که «ملاصدرا» در کتاب رسایل داده است، حکمت نوعی دانش ناب عقلانی است که داننده خود را در روند دانش اندوزی به گونه ای دگرگون می سازد که ظاهری بدل به آیین های می گردد که سلسله مراتب کیهانی در آن انعکاس می یابد (نصر، ۱۳۷۰، ص ۵۶). از نظر بورکهارت نیز حکمت معماری اسلامی منجر به نهادینه شدن سنتی شده که آثار معماری دوران

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

جدول ۱. مفاهیم حکمت براساس مطالعات پایان نامه؛ ماخذ: نگارندگان.

مشخصه	جدول مفاهیم حکمت براساس مطالعات و تعریف های فوق
تعریف	هدف نهایی شناخت محتوا و معنا
معرف وجود	انسان و ایمان به خدا عاملی مهم در روند شناخت
ارتباط با ابژه	ارتباط بین انسان و خدا عاملی تاثیرگذار و انکارناپذیر در روند شناخت
ارتباط با پدیده	ادراکات انسان ها و پیش داوری‌ها از عوامل مهم در حکمت
ارتباط با منطق و ذهن	قدرت تفکر و ذهن، از ارکان اصلی حکمت
نحوه شناخت و ارتباط	اندوخته‌های ذهنی، پیش داوری ها، تجارب و پیش فرض ها در کنار قدرت تعقل و ایمان انسان عامل اصلی شناخت

جدول ۲. مفاهیم پدیدارشناختی براساس مطالعات پایان نامه، ماخذ: نگارندگان.

مشخصه	جدول مفاهیم پدیدارشناختی براساس مطالعات و تعریف های فوق
تعریف	هدف نهایی شناخت واقعی (حقیقی) پدیده
معرف وجود	انسان عاملی مهم در روند شناخت
ارتباط با ابژه	ارتباط بین انسان و جهان عاملی تاثیر گذار و انکار ناپذیر در روند شناخت
ارتباط با پدیده	ادراکات انسان ها و پیشداوری ها از عوامل مهم در پدیدارشناختی
ارتباط با منطق و ذهن	قدرت تفکر و ذهن، از ارکان اصلی پدیدارشناختی
نحوه شناخت و ارتباط	اندوخته های ذهنی، پیش داوری ها، تجارب و پیش فرض ها در کنار قدرت تعقل انسان عامل اصلی شناخت

را، به یادگاری های جاودانه و استوار تبدیل ساخته است (بورکهارت، ۱۳۷۰، ص ۲۷). در نتیجه با وجود برخی تفاوت ها در معماری بناهای عبادی مختلف با بررسی تطبیقی میان فضاهای عبادی می توان به روح مشترک موجود در عناصر و کالبد معماری بناهای عبادی دست یافت که در (جدول شماره ۱) به اختصار به تعریف، تفکیک و ارتباط مفاهیم حکمت پرداخته شده است.

پدیدارشناسی

نظریه و روش پدیدارشناسی، در پی بحران های فلسفی در غرب توسط «ادموند هوسرل»۲ مطرح شد. هوسرل که بر آگاهی، کنش و الزام های فرهنگی تاکید داشت، در تلاش بود تا خود را از پیش فرض ها و تبیین های رایج فارغ شده و شیوه ای برای شهود معانی ذاتی ارائه دهد. او در این راستا کوشید تا با به تعلیق درآوردن رویکردهای شناخت رایج که به نظرش سرچشمه کژاندیشی است، به آگاهی ناب نائل آید. پدیدارشناسی، به عنوان یک حرکت فکری و فلسفی، نقطه عطف بسیاری از روش های نقد معماری معاصر است. اساس پدیدارشناسی، رویکردی ناب و تازه به پدیده ها و دست یافتن به خود چیزها بوده و به عنوان یک رویکرد فلسفی، درک خاصی از مکان و فضا را بیان می دارد (پرتوی، ۱۳۹۲، صص ۲۷-۶۲). این رویکرد به وسیله معماران نیز در مباحث گوناگون مانند، مکان، فضا و هویت مورد استفاده قرار گرفته است. از دیدگاه فیلسوفان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

پدیدارشناسی روشی است برای شرح موقعیت بی واسطه و مستقیم چیزها که با آن می توان به درکی فارغ از پیش فرض و بدون پیش داوری دست یافت، و از دام پیش انگاشته های علمی، مذهبی، متافیزیکی و روانشناختی گریخت (فلامکی، ۱۳۸۱، صص ۴۳-۴۴). در نتیجه از نگاه پدیدارشناسی، معماری اسلامی مبتنی بر حقایق عرفانی و الهی، فرازمان و فرامکان و یا ازلی و ابدی است، از این منظر اسلام دارای مولفه هایی است که فراتر از روح دوران و جدای از ارکان تاریخی موجب شکل گیری رویکرد خاص در معمار شده است، به طوری که این عناصر فکری را نباید وابسته و محدود به شرایط تاریخی، حکومت و یا انگیزه های حاکمان دانست. در (جدول ۲) اصول و اجزا مفاهیم پدیدارشناختی بررسی و تحلیل شده است. در واقع هدف از این جدول، آشنایی با مولفه های پدیدارشناختی به عنوان روشی برای بررسی و شناخت معماری بناهای عبادی است.

قیاس پدیدارشناسی و حکمت در روند شناخت

همانطور که پیشتر بیان گردید، حکمت واژه‌ای نسبتا پر کاربرد، متداول و در عین حال مبهم است که با وجود مطالعات صورت گرفته پیرامون آن، هنوز معنای روشنی از آن محقق نگردیده است. به دلیل وجود این ابهام در معنا، بعضی مواقع حکمت، به رغم تمایز با پدیدارشناسی، معادل آن پنداشته می شود. به عبارتی پدیدارشناختی و حکمت مترادف و به یک معنا بکار می رود، اما با تأمل می توان میان آن دو تمایزهایی یافت. لفظ پدیدارشناختی، (شناخت پدیده) نوعی دانش خاص فلسفه گفته می شود، که بدون توجه خاص به هدایت و سعادت بشری و در صدد انکار خالق پدیده با قدرت عقل می باشد و حکمت در زبان عرب به معنای اتقان در عمل و باز داشتن از کجروی است، زیرا حکمت واقعی بازدارنده انسان از تاریکی جهل و کجروی و گمراهی است (محمد خواجوی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶). بنظر می رسد می توان با تحلیل و بررسی معنای حکمت به عنوان روند شناخت و بیان ارتباط آن با پدیدارشناسی به عنوان روند شناخت فلسفی، به تمایز حکمت و پدیدارشناسی دست یافت. بنابر مطالعات صورت گرفته حکمت، مفهومی گسترده‌تر و عمیق‌تر از پدیدارشناسی داشته و به لحاظ منشا و قطعیت نیز نسبت به پدیدارشناسی، بهتر است. می توان نتیجه گرفت پدیدارشناسی علیرغم شباهت، از جهات مختلفی با حکمت متفاوت است و به لحاظ مبدا و منبع پیدایش و مرجع شناخت هنر اسلامی، نمی‌تواند با حکمت هنر اسلامی هم‌عرضی کند. حکمت در روند شناخت در پی تکامل و رسیدن به حقیقت و ذات بوده در حالی که هدف پدیدارشناسی از شناخت پدیده یک نتیجه علمی و دست یافت نظری می باشد. در این راستا با تحلیل و جمع بندی مفاهیم حکمت و پدیدارشناسی بر اساس مولفه های موثر در روند شناخت (جدول ۳) حاصل شده است.

با توجه به مطالب قبلی و (جدول ۳) می توان کاربرد پدیدارشناختی را همسو با حکمت در نظر گرفت. یعنی معرفت و شناخت بشری از پدیدارها دانست، اگرچه در مفاهیم پایه باهم برابر نیستند، ولی هر دو در پی شناخت صحیح و مطلوب از پدیده می باشند و تمایز این دو روش شناخت در عمق نگرش هاست، زیرا یکی شناخت عین موجودات آنگونه که در ذات خود هستند می خواهد، و آن را معرفت وجود حق تعالی می داند، و دیگری درصدد شناخت خود پدیده بدون دخل و تصرف و صرفا به بهره گیری از قدرت عقل تکیه دارد. موضوع حکمت و پدیدار شناسی در معماری اسلامی از مباحثی است که اختلاف نظر زیادی میان اندیشمندان وجود دارد. برخی به وجود محتوای اسلامی در روند حکمت آمیز اعتقاد داشته و در مقابل، عده ای دیگر به عدم وجود محتوای اسلامی در روند پدیدارشناسی معتقدند. معماری اسلامی به عنوان مکتبی فکری و اعتقادی، حقایقی مفهومی را در حوزه معماری مطرح کرده است که به صورت عناصر و مولفه های

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

جدول ۳. تحلیل و مقایسه مفاهیم حکمت و پدیدارشناختی؛ ماخذ: نگارندگان.

مشخصه	حکمت	پدیدارشناختی
تعریف	خداوند بعنوان محور اصلی	انسان محور اصلی
معرف وجود	ایمان و عقل رکن اصلی در شناخت	عقل رکن اصلی در شناخت
ارتباط با ابژه	در صدد یافتن مسیر سعادت بشر	کشف حقیقت علمی
ارتباط با پدیده	پدیده به عنوان مخلوق الهی و صاحب ارزش	پدیده به عنوان یک عنصر عادی برای شناخت
ارتباط با منطق و ذهن	علم الهی	دانش خاص فلسفه
نحوه شناخت و ارتباط	نهفته در ادیان و آفرینش	روش شناخت نوین سال های معاصر

ظاهری و محتوایی در بناهای عبادی انعکاس یافته است. این مولفه های بنیادی و ثابت را می توان طی فرایند شناخت حکمت آمیز و پدیدار شناسانه در کهن الگوها به صورت بصری مشاهده نمود که با توجه به هدف مقاله با تحلیل بناهای عبادی با مفاهیم حکمت و پدیدارشناسی این عناصر و مولفه ها حاصل شده است. بر اساس مطالب گفته شده مولفه های نهفته در معماری مساجد را هم از دیدگاه دین و اصول الهی حاکم بر آن در شکلگیری ساختار مساجد بررسی می کند و همچنین این ساختار را بوسیله روش شناخت معاصر بشری که مبتنی بر قدرت عقل مطلق بوده و متفاوت از روش حکمت آمیز است مورد واکاوی قرار می دهد. و بر اساس این روش ها برخی اشتراکات و تمایزهای این دیدگاه ها در مولفه های معماری مساجد حاصل شده است.

نگاه حکمی به معماری بناهای عبادی

معماری اسلامی هنری حکمی است و حکمت تنها دانشی است که می‌تواند معماری اسلامی را درک کند. حکمت معماری اسلامی به خصوص معماری مساجد و کلیه ملزومات و کارکردهای آن را می‌توان در دو بعد شکلی و محتوایی بررسی کرد. حکمت شکلی و محتوایی معماری مساجد از لحاظ کاربرد نماد، کارکردهای فیزیکی و عملکردی و خصوصیات ظاهری و باطنی در اجزا تشکیل دهند بنا قابل مشاهده است. سیر تاریخی معماری مساجد نیز خود روشنگر وجود حکمت در معنای متعالی آن می‌باشد. معماری و تزئینات وابسته به آن در هنرهای اسلامی نیز حائز اهمیت می‌باشند به طوری که معماری فضاهای عبادی همواره در تمام طول تاریخ دارای حکمت بوده است. در یک جمع بندی کلی می توان مظاهر ظاهری و محتوایی حکمت در آثار معماری را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- رفع نیاز بشر جهت ایجاد سرپناهی برای زندگی و مکانی جهت خلوت و عبادت و سایر نیازهای دیگر؛ و

۲- توجه به جامعیت بنا با توجه به نیازهای بشری؛ و

۳- توجه به عنصر مردم‌واری به معنای داشتن مقیاس انسانی در عناصر مختلف معماری؛ و

۴- توجه به عنصر خودبسندگی به معنای این که معمار و سازنده بنا سعی بر آن دارد که مصالح ساختمانی و مواد مورد نیاز خود را از نزدیکترین مکان‌ها و با کمترین قیمت تهیه کند؛ و

۵- پرهیز از بیهودگی به این معنا که معمار و سازنده بنا سعی می‌کند از به کار بردن مولفه های

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

بی‌فایده خودداری کند. در واقع این اصل معماری قبل از اسلام وجود داشته و بعد از اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ و

۶- پیمون یا مدول که برای رعایت تناسبات در ایران و معماری کلاسیک یونان و روم به کار می‌رفته و وسیله تنظیم ابعاد و اندازه و هندسه راهنمای معماری در تأمین مناسبات و هماهنگی اصولی است؛ ۷- درونگرایی، به معنای قرار دادن اندام‌های معماری و ساخت دیوارهای خارجی است، که ارتباط مستقیم بنا را با فضای خارج در درون خود با عنصری به نام حیاط میسر می‌کند، فضای درون گرا، از هر سو به داخل توجه دارد (پیرنیا، ۱۳۸۶، صص ۳۶-۲۶).

معماری مساجد در طول تاریخ از مفاهیم نام برده حکمت برخوردار می‌باشند. گاهی این مفاهیم در معماری تحت تاثیر شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه نقش پر رنگ دارد. معماری مساجد بدنبال الهام از مفاهیم کلام الهی و روایی است، تا فضایی ایجاد کند که عالم ملکوت (عالم معنا) و عالم ناسوت (عالم صورت، ملک و طبیعت) را با یکدیگر تلفیق نمود و فضای معنوی واحدی را خلق کند. گنبد، مناره، محراب و طاق در فرم ها و کتیبه ها و کاشی کاری ها و گچبری ها و کاربندی ها و نقوش، اشکال و رنگ ها همگی نشانه بارزی برای القای معانی پنهان هستند و مخاطب از طریق حضور در فضای معماری مساجد به درک شهودی آن معانی نایل می شود. در (جدول ۴) به توضیح مختصر از حکمت و مسجد و سیر حکمت در آثار معماری مکان های عبادی پرداخته می شود تا به ارتباط بین حکمت و معماری مساجد دست یافت.

نگاه پدیدارشناسی به معماری بناهای عبادی

از دیدگاه پدیدارشناسی به ماهیت معماری اسلامی، تمامی عوامل حتی موارد موثر و تاثیر گذار در پدیده، از جمله ریشه های تاریخی، عوامل، شرایط و بسترهای تحقق آن مورد تحلیل قرار نمی گیرد و به جای بررسی واقعیت عینی و خارجی آن، به تحلیل و ارزیابی عناصر خود پدیده بسنده می شود. در شناخت پدیده، واکاوی و شناخت عناصر درونی و مکشوف پدیده، امری ضروری است و بررسی و شناخت هستی خارجی هنر اسلامی، از جمله بررسی عوامل تاریخی در تحقق آن، بیرون از قلمرو شناخت پدیدارشناسی قرار می گیرد، زیرا بررسی و شناخت از عینیت خارجی، نوعی توجه به هستی آن پدیده است و همان طورکه اشاره شد در رویکرد پدیدارشناسی حذف هرگونه پیش فرض در پدیدارشناسی معماری، امری ضروری است.

«برای شناخت و تحلیل آثار معماری اسلامی از منظر پدیدارشناختی، می توان به سطوح عمیق تر و مفاهیم محوری موجود در آثار هنری که ماهیتش فراتر از اقلیم، محیط و زمان خاص است، دست یافت، عناصری که نسبت میان دین و هنر را در فرهنگ اسلامی بیان می دارد» (شیمل، ۱۳۷۶، ص ۳۶). با روش پدیدارشناسی، پژوهشگر آثار معماری اسلامی در پی آنست که آیا هنر اسلامی، بازنمایانه و طبیعت گرایانه است، یا هنری انتزاعی، تغییر شکل یافته، معنادار و نمادین که برگرفته از آرمان ها و ایدئال های تفکر اسلامی است و به طبیعت گرایی یا تقلید از واقعیت گرایش نداشته است. در شیوه پدیدارشناسی روش شناختی، نقطه آغازین بررسی و تحلیل اثر هنری اسلامی، فراتاریخی و بدون توجه به مقوله زمان می باشد و پدیدارهای معماری اسلامی، مجرد از بستر فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، توصیف و بررسی گردیده و تفاوت در معماری اسلامی تمدن ها، در هسته درونی آنها جست وجو می شود، عواملی که به صورت شبکه ای و منسجم وجود دارد و پدیدارشناس به فهم درونی آنها دست می یابد. همچنین در میان مورخان هنر اسلامی، برخی نیز به عناصر فرازمان و فرامکان در هنر اسلامی اذعان دارند و بر این باورند که معماران مسلمان به اندیشه های جاویدان و مفاهیم ازلی که فراسوی زمان و برآمده از تفکر اسلامی است، توجه داشته اند، به عنوان مثال «آرتور پوپ»۳ معتقد است، هنرمند

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

جدول ۴. حکمت در معماری فضاهای عبادی؛ ماخذ: نگارندگان.

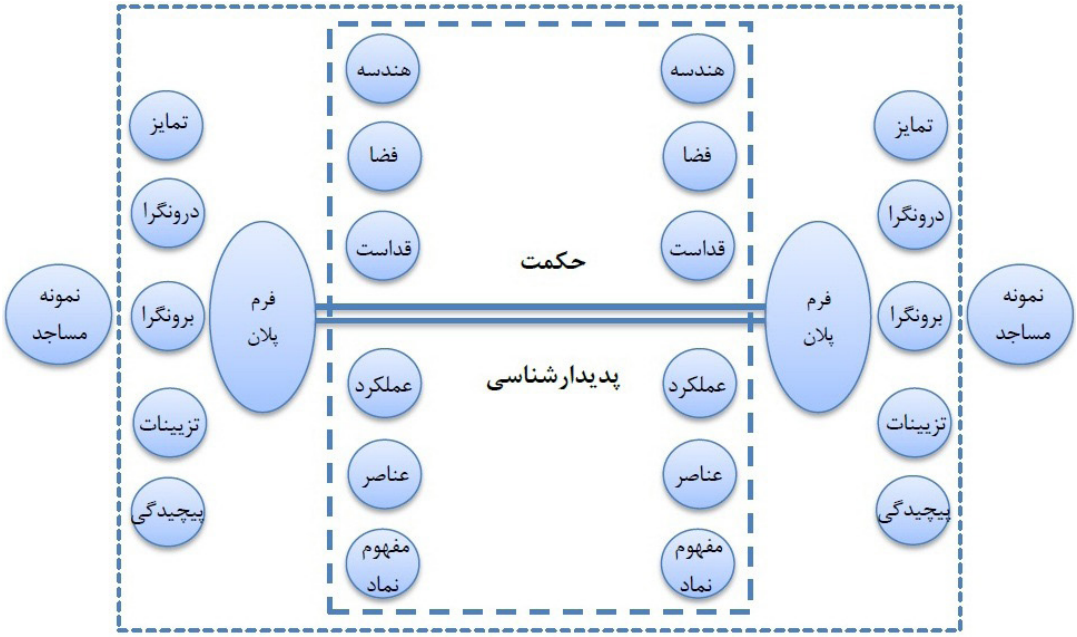
مشخصه	جدول مفاهیم حکمت در شناخت بناهای عبادی
تعریف بناهای عبادی	شناخت روح و معنا حقیقی (خدا) در بناهای عبادی
معرف وجود بناهای عبادی	ایمان انسان عاملی مهم در روند شناخت بناهای عبادی
ارتباط ابژه در بناهای عبادی	درک ارتباط بین عناصر و فضاها در بناهای عبادی عاملی تاثیر گذار و انکار ناپذیر در روند شناخت
ارتباط با بناهای عبادی	اعتقادات مسلمانان و اصول شرعی و دینی از عوامل مهم در شناخت معماری فضاهای عبادی
ارتباط با ایمان و دین	ایمان و اعتقادات فقهی و شرعی، از ارکان اصلی شناخت در بناهای عبادی
نحوه شناخت بناهای عبادی	ایمان در کنار قدرت تعقل انسان عامل اصلی شناخت روح مشترک در بناهای عبادی می باشد

جدول ۵. مفاهیم پدیدارشناسی در معماری فضاهای عبادی؛ ماخذ: نگارندگان.

مشخصه	جدول مفاهیم پدیدارشناسی در شناخت بناهای عبادی
تعریف بناهای عبادی	شناخت خود بناهای عبادی
معرف وجود بناهای عبادی	انسان عاملی مهم در روند شناخت بناهای عبادی
ارتباط ابژه در بناهای عبادی	ارتباط بین عناصر ظاهری در بناهای عبادی عاملی تاثیر گذار و انکار ناپذیر در روند شناخت
ارتباط با بناهای عبادی	عناصر کالبدی و قابل لمس عوامل مهم در پدیدارشناختی معماری فضاهای عبادی
ارتباط با ایمان و دین	مفاهیم کلی اسلام، از ارکان شناخت در بناهای عبادی
نحوه شناخت بناهای عبادی	ایمان، اندوخته های ذهنی، پیش داوری ها، تعلیق، تجارب و پیش فرض ها در کنار قدرت تعقل انسان عامل اصلی شناخت روح مشترک در بناهای عبادی می باشد

مسلمان در خلق اثر هنری به دنبال شیوه ای رها از قید زمان و مکان و رها از زوال پذیری بود: «ذوق ایشان [مسلمانان] بیشتر در نمایش اشکال، طالب آن شیوه بود که از قید زمان و مکان آزاد باشد و طعم فنا ندهد، بلکه به سوی خلود و بقا میل کند» (پوپ، ۱۳۸۰، ص ۴). «جیمز دیکی»۴ در تفسیر گنبد، باغ و نقوش تزیینی معتقد به وجود عناصر نمادین و تمثیلی در آنهاست و گنبد را نماد فلک، باغ را تمثیلی از فردوس و نقوش عربانه را تمثیلی از درختان بهشتی بیان نموده است (دیکه، ۱۹۷۸، ص

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]



تصویر۲. مولفه های کالبدی- محتوایی معماری مساجد؛ ماخذ: نگارندگان.

۳۴). این صاحب نظران، معماری اسلامی را متفاوت از قالب های مدرن، مبتنی بر فرهنگ سنتی شرق و متأثر از ماهیتی روحانی و فراتاریخی می دانند که متمایز از معماری پس از رنسانس است (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴).

جایگاه حکمت و پدیدارشناسی در مولفه های معماری فضاهای عبادی- نمونه های موردی

اگر معماری بناهای عبادی از دیدگاه حکمت و پدیدارشناسی تحلیل شود، آنچه قابل لمس و مشاهده هست، عناصر و مولفه های شاخص سازنده بنا است که برای رویکرد پدیدارشناسی پدیدار می گردد که این عناصر معرفت و حس مکان و فضا ما را به آن پدیده تشکیل می دهد و با شاخص کردن این مولفه های معماری، می توان به عینیت آن پدیده در میان بناهای عبادی دست یافت. با توجه به مفاهیم بیان شده حکمت و پدیدارشناسی، مولفه ها و عناصر شکلی و محتوایی مشترک معماری اسلامی، مهمترین رکن، تجزیه و تحلیل و بررسی محتوا و ساختار پدیدارهای معماری در بناهای عبادی مختلف با یکدیگر است و بدین روش می توان به کشف روابط درونی، ذاتی و ارتباطات آنها و کشف ماهیت و ذات مشترک پدیدارهای معماری دست یافت.

با توجه به اهمیت مولفه های اشاره شده (تصویر ۲) در فضاهای عبادی و اهمیت حضور این مولفه در ساختار، پلان و فرم که القا کننده حس مکان، روح مکان و حس فضا و عامل اصلی شناخت در طراحی و معماری بناهای عبادی می باشد، طبق (جدول ۶) این مولفه های شکلی و محتوایی با مفاهیم پدیدارشناسی و حکمی مورد تحلیل و قیاس قرار گرفته است.

در این راستا جهت تحلیل و بررسی دقیق تر مولفه های ذکر شده در (جدول ۶) چند نمونه فضای عبادی انتخاب شده است. شاخصه انتخاب این نمونه ها بدین نحو است که بناهای انتخابی همگی در منطقه قدیمی و با ارزش تاریخی قرار داشته و به دلیل وجود نکات ظریف معمارانه از شهرت و توجه عمومی بین مردم و متخصصان معماری برخوردار بوده اند .ضمنا بنای نمونه های منتخب، ویژگی های بارز معماری دوره تاریخی خود را منعکس

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

جدول ۶. بررسی موردی مولفه های شکلی و محتوایی با رویکرد پدیدارشناسی و حکمت؛ ماخذ: نگارندگان.

مولفه های شکلی و محتوایی	رویکرد های شناخت	
	حکمت	پدیدارشناسی
تزیینات	مورد توجه در ادیان	بیان زیبایی
هندسه	الهام گیری از فرم های مقدس	استفاده از اشکال پایه
پلان	بهره گیری از پلان ساده	القای حس مکان
عوامل طبیعی (آب، خاک، نور، فضای سبز و ...)	مورد تاکید اسلام	بهره گیری در معماری مساجد
عوامل مصنوعی (محراب، مناره، ایوان، صحن و ...)	برای تقویت حس مکان و فضای قدسی	عوامل موثر در روح مکان
زیبایی شناختی	نشات گرفته از افکار مسلمانان (خدا)	استفاده از فرم ها و اشکال زیبا و متوازن
فضا- مکان	ایجاد مکان قدسی	مکانی با حس و حال خاص معنوی
عملکرد	ارتباط با خدا	اعمال خاص مسلمین
تمایز	نحوه نگرش ها و عوامل اقلیمی	عوامل اقلیمی و سایت طراحی

جدول ۷. انتخاب و بررسی نمونه فضاهای عبادی؛ ماخذ: نگارندگان.

بررسی نمونه فضاهای عبادی منتخب در مقاله		
مسجد کبود تبریز	مسجد آقا بزرگ کاشان	مسجد شیخ لطف ا... اصفهان
مسجد شاه اصفهان	مسجد نصیر الملک شیراز	مسجد سپه سالار تهران
آرامگاه شیخ صفی الدین اردبیلی		

نمـوده و تاثیـر گذاری بسـیار آنها در معماری اسـلامی بناهـای عبـادی نسـل های بعـدی می باشـد و در عین حـال اطلاعات کافی و امکان مشـاهده حضـوری وجود داشـته، بدیـن ترتیـب از میـان آثـار معمـاری سـبک هـای مختلـف در ایـران، تعـداد هفت نمونه از مسـاجد مطابـق (جـدول ۷) انتخاب شـده اسـت.

بـا توجـه بـه تحلیـل مولفه هـای فـوق بـا مفاهیـم حکمـت و پدیدارشناسـی بـه تحلیـل ایـن الگوهـا در معمـاری مسـاجد نـام بـرده پرداختـه می شـود. و بنابر اشتراکاتشـان در طیفـی از طبقه بندی ها قـرار خواهند گرفـت. و در مقولـه تحلیلـی جـدول ۸ و دسـته بنـدی آن حاصـل شـده اسـت.

براسـاس تحلیـل اسـتنتاجی جـدول فوق می تـوان به اشـتراکات معمـاری مسـاجد دسـت یافت، بـرای نمونه اسـتفاده از نـور و رنـگ در بسـیاری از آثـار معمـاری نـه فقـط اتفاقـی نیسـت بلکـه بـا نمادپـردازی رنگ ها در معمـاری اسـلامی مناسـبت دارد. معماری اسـلام از طریـق نـور، سـایه و رنگ و موارد مشـابه فضایـی ایجاد نمـود اسـت کـه هـم در صورت و هـم در معنا اسـلامی بـوده اسـت، فضایی کـه در آن اصـول دینـی و روحانی متجلـی مـی شـود و بر محیـط زندگـی روزمره انسـان کـه تأثیـری عمیق بـر گرایش هـای فکـری و روحی او

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

جدول ۸. بررسی موردی بناهای عبادی با مولفه های شکلی و محتوایی با مفاهیم حکمی و پدیدارشناسی؛ ماخذ نگارندگان.

نمونه مساجد	تاریخچه	تزیینات	هندسه	پلان	عوامل طبیعی	عوامل مصنوعی	زیبایی شناختی	فضا	عملکرد	تمایز
مسجد کبود تبریز	قرن نهم (ه ق) قرهقویونلو	تنوع و ظرافت کاشی کاری	هندسه پیچیده، شبستانی	پیچیدگی در نقشه و پلان	حوض بزرگ	دو مناره باریک و بلند، ایوان مرتفع، حیاط بزرگ با طاق نماهای زیبا	خلاقیت در تزیینات	توجه به ارتفاع و القای شکوه و عظمت در طرح	مسجد	برونگرا، بدون مناره با کاشیکاری های معرق لاجوردی
مسجد نصیر الملک شیراز	قرن سیزدهم (ه ق) قاجار	شیشه های رنگی، طاق های بلند، کاشیکاری و مقرنس کاری	شبستانی	دو شبستان شرقی - غربی	نور و آب	شیشه های رنگی، دو ایوان شمالی و جنوبی، زوج مناره کوتاه	بصری	توجه به ارتفاع	مسجد	خلاقیت در بهره گیری ار نور
مسجد آقا بزرگ کاشان	قرن چهارم (ه ق) قاجار	کاشیکاری، کاربندی، رسمی بندی، یزدی بندی، مقرنس کاری، گچ بری، نقاشی و کارهای چوبی	عدم تبعیت از نظام هندسی سنتی معماری مساجد	شبستان به عنوان فضای اصلی	گودال باغچه	سردر، بادگیر، حوض، زوج مناره	گذر از سادگی به پیچیدگی	توجه به تزیینات و تنوع فضایی و حجمی	مسجد و مدرسه	محل قرارگیری محراب و باز بودن مسجد از چهار طرف، سردر
مسجد شیخ لطف ا... اصفهان	قرن دهم (ه ق) صفویه	کاشیکاری معرق	هندسه قوی و ترکیب بندی احجام، شکستن تقارن	پیچیدگی و ابداع در نقشه و پلان	نور	گنبد، جلوخان، محراب	حجم بسیار عالی و حل مشکلات موجود در طراحی به بهترین نحو	ایجاد فضایی برای ارتباط با انسان و انسان با انسان(القای فضای دنیوی)	مسجد	تقریبا برونگرا و ترکیبی همگن از سازه و معماری
مسجد شاه اصفهان	قرن دهم (ه ق) صفویه	مقرنس، کاشیکاری هفت رنگ با خشتی و استفاده از نقش چلیپا درایوان مسجد	هندسه قوی و ترکیب بندی احجام، شکستن تقارن	چهار ایوانی با گنبد خانه	حوض بزرگ و نور	گنبد، دو مهتابی، صحن و هشتی، جلوخان و دو مناره	ترکیب بسیار عالی و حل مشکلات موجود در طراحی به بهترین نحو	انتخاب و مکان یابی صحیح فضاها	مسجد	دو گنبد و حل کردن انحراف محور قبله با محور میدان
مسجد سپهسالار تهران	قرن سیزدهم (ه ق) قاجار	کاربندی، رسمی بندی، یزدی بندی، مقرنس کاری، کاشی های (معقلی، هفت رنگ و خشتی و معرق) و گچ بری های اسلیمی	هندسه پیچیده با ترکیب حجمی	معماری مساجد ایرانی و مساجد شهرهای استانبول	حوض بزرگ و نور	ترکیب ایوان جنوبی، گنبد خانه و سه گنبد جنبی و دو گوشواره و نرده های دست ساز آهنی و مهتابی ها و بهار خواب های وسیع	ترکیب مساجد ایرانی و عثمانی	تداعی مساجد بیزانسی	مسجد و مدرسه	گنبد خانه - چلیپایی
مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی	قرن هشتم (ه ق)	کاشیکاری، گچبری، کارهای چوبی و معرق	ساده و با رعایت تناسبات و سلسله مراتب	سلسله مراتب	باغ مرکزی	ایوان،صحن، جنت سرا، چینی خانه	مراحل هفت گانه عرفان	ترکیب فضای طبیعی و مصنوعی	خانقاه، مسجد و مدرسه	ترکیب عالی مجموعه عملکردها

دارد، نقش مهمی دارد (نصر، ۱۳۷۰، ص ۱۸). این مورد در معماری قدسی اسلامی در زمینه هنرهای تجسمی در انواع مختلف و تزیینات بیش و پیش از هر چیز در قالب معماری مساجد نیز قابل مشاهده است، یکی فضایی می‌آفریند که کلام الهی در آن انعکاس می‌یابد و دیگری با خلق خطوط سطوح و حجم های ظریف و هنرمندانه در قسمت های مختلف مساجد از جمله ایوان، محراب، قوس ها و ...گویی صورت تنزل‌یافته کلام الهی است.

با بررسی مولفه فضا، اشتراکاتی حاصل می شود که بسته به سبک معماری زمان خود متنوع می باشد، هندسه و فضای درونی مساجد نه تنها عارضی و اتفاقی نیست بلکه عمدا به گونه‌ای طراحی شده که هرگونه تراکم و انجماد یا کششی را که مانع گسترش کلام در فضای نامحدود و همسان شود، خنثی نماید، فضایی سرشار از نظم و توازن که روح در آن، به جای تمرکز

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

و استقرار در قالب پیکره، یا شمایلی خاص همه جای هست و حضور دارد. با این وجود، هر چند ذوق و قریحه معماران مختلف به ظهور سبک های معماری متنوعی منجر شده است، اما پیوندی عمیق که ریشه در فضای روحانی واحدی دارد، مساجدی متفاوت از نظر شکلی مانند مسجد کبود، مسجد جامع اصفهان و مسجد سپهسالار و ... را به هم می پیوندد.

نکته مهم در اینجا این است که اگرچه در همه مساجد سعی در ایجاد نمایشی از خلوص و ناب گرایی وجود دارد ولی عناصر سنتی نیز به عنوان وجه هویتی در همه حال به صورت محدود به فرم های خالص و مکعبی اضافه شده اند تا هویت مسجد را به عنوان مکانی خاص و معنوی به مخاطب القا کنند. البته در مقابل شاخص های زیادی نیز وجود دارند که نمی توان آنها را به عنوان مشترکات سبکی معماری در این آثار نامید. در حقیقت بجز مولفه های شکلی سایر مولفه ها در بین مساجد نیز وجود دارند که در بین نمونه های موردی مساجد تحلیل شده مشترک بوده اند. به عنوان مثال بر اساس رویکرد زیبایی شناختی می توان نتیجه مشترک خاصی از تحلیل مساجد گرفت. همچنین شاخص هایی وجود دارند که تقریبا در همه مساجد فارغ از سبک های معماری ثابت هستند. به عنوان مثال عموم مساجد نسبت به عوامل مصنوع مانند انواع مناره، ایوان، صحن، محراب و ... و عوامل طبیعی مانند آب و حوض، نور، سایه و ... مشترک هستند و در بیشتر مساجد عناصر ثابت و تاثیر گذار روند طراحی می باشد.

جمع بندی و نتیجه گیری

طی مباحث مطرح شده، می توان گفت که معماری مساجد نمی توانند تافته ای جد بافته از یکدیگر باشند و باید سایه ها و دریافت هایی از یکدیگر داشته باشند، یعنی سایه ساحت اول که ذات حضرت حق است، به روشنی در ساحت های انسانی و معنایی و مولفه های شکلی دیده می شود که توجه به ذات حق در معماری مساجد باعث بوجود آمدن مولفه های همسو و یکسان شده است که این مولفه ها با توجه به دلایل مختلف مانند، ذوق، قریحه معمار و عوامل اقلیمی و قدرت های حاکم و ... تنوعی زیبا به معماری مساجد داده است. نمونه های معماری قدسی در محدوده فرهنگ ایرانی قبل از اسلام، با توجه به تعریفی که از معماری اسلامی و قدسی ارائه گردید همسو با معماری ایرانی و اسلامی می باشد. بعبارتی حتی اگر برخی آثار دوره اسلامی از نقطه نظر تکنیک معماری از اثری با ویژگی دوره ایران قبل از اسلام تاثیر پذیرفته باشند، این آثار را نیز می توان معماری قدسی محسوب نمود. نیاکان ایرانی ما در حصار زمانه خود نبوده اند که به آفرینش سبکی محلی و مقطعی پرداخته و به آن اکتفا کنند، سبکی که به دلیل همین ویژگی دیری دوام نمی یافت و به زودی منسوخ می شد. آنان به خلق معماری بی زمان پرداختند که با ابدیت پیوند داشته است و به موجب همین پیوستگی، ارزش و اعتباری جاودانه یافت. عمق و غنای معماری ایران اسلامی به گونه ای است که تنها با بسنده کردن به صورت و کالبد ظاهری آن، نمی توان به بواطن آن راه پیدا کرد، تنها آنان که با تفکر و مراقبه انسی دارند، قادرند به مفهوم حقیقی دست یابند، حکمت و پدیدار شناسی از روش های شناختی هستند که محقق را در جهت رسیدن به حقیقت یاری می کند.

براساس دیدگاه پدیدارشناختی، یکی از مهم ترین ویژگی معماری، جنبه کالبدی بخشیدن به اعتقادات و باورهایی است که عامل مهم در روند شکل گیری آثار معماری می باشد. در نتیجه در معماری قدسی، که تحت تاثیر مستقیم باورهای دینی بوده اند، می توان از وجود نقاط مشترکی در میان معماری بناهای عبادی مختلف سخن گفت که عامل اصلی در روند شکل گیری این نوع معماری می باشد. با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله در ارتباط با مقوله حکمت و پدیدار شناختی و جایگاه آنها در ایدئولوژی و معماری اسلامی، ملاحظه شد که علی رغم وجود تفاوت ها در نگرش معماری

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

بناهـای عبادی مختلف نسـبت به ایـن موضوع، خطوط مشـترکی نیـز در نگاه آنها نسـبت به معماری اسـلامی وجـود دارد کـه در شـکل گیـری بناهـای عبـادی آنهـا نقش اساسـی داشـته انـد. بنابراین همان گونـه که می تـوان از وجـود حکمـت در معماری اسـلامی به صورت خـاص سـخن به میـان آورد، در حوزه معمـاری بناهای عبـادی نیـز نـکات مشـترکی وجـود دارد کـه نشـانگر وجـود حکمـت در اندیشـه معمـاران و آثـار آنها اسـت. نکتـه حائـز اهمیت در اندیشـه معماران و آثـار معماری اسـلامی ایـن اسـت کـه اگرچه در همه مسـاجد سـعی در ایجـاد وحـدت و قداسـت وجـود دارد ولـی مولفـه هـای معمـاری بـه عنـوان وجـه هویتـی در همـه حال بـه صـورت محـدود وجود دارد که مسـجد را بـه عنوان مکانـی خـاص و معنـوی بـه مخاطـب القـا کننـد. امـا مولفـه هـای معمـاری نهفتـه دیگـری وجـود دارد کـه نمـی توان آنها را اشـتراکات معماری محسـوب کرد. در حقیقـت بجز عناصـر ظاهری و قابل رویـت در معماری مسـاجد، سـایر مولفـه هـای نهفتـه و پنهـان در بطـن معمـاری مسـاجد وجـود دارند کـه در بیـن نمونه های مـوردی تحلیـل شـده قابـل درک و لمـس مـی باشـد، شـاخص هایـی کـه تقریبـا در همـه مسـاجد فـارغ از سـبک هـای معماری ثابتند ولی از نظـر کالبدی حضور بصـری ندارنـد. در حقیقت این مولفه ها عامل شـناخت و درک مخاطـب از معمـاری و فضـای قدسـی مسـاجد مـی باشـد، که هـدف این مقالـه، گزینش مولفـه هایی از معمـاری مسـاجد و دسـتیابی بـه ارتباطـی مـوزون میـان آنهـا بـوده اسـت، مولفـه هایـی کـه در بسـیاری از مسـاجد سـاخته شـده معاصـر کـه عمدتـا یـک فرم فکرناشـده در آن بـه کاررفتـه، دیـده نمی شـود. انتظار بـر طراحـی مسـاجد معاصـر ایـن اسـت کـه در ابتـدا سلسـله مراتـب طراحـی براسـاس نظـام معنایـی در نقشـه هـا دیـده شـود و از دیگرسـو اسـتفاده از مولفـه هـا و رویکردی مناسـب در خطوط طراحـی (ارتفاعی و احجـام بـه کاررفته، کاربـرد فرم های پایه مربـع و دایره و تلفیـق مطلـوب ایـن دو و ...) می-توانـد رویکـردی مطلـوب را بـه همـراه داشـته باشـد. که در (جـدول ۹) بعضـی از ایـن مولفه در دو قسـم فرم و پـلان تفکیک و مـورد تحلیـل قرار گرفتـه و به صورت شـماتیک و قابل درک و مشـاهده ترسـیم شـده اسـت.

منابع و ماخذ

۱- بورکهـات، تیتـوس (۱۳۷۴).هنر عربی یا اسـلامی؟. فصلنامه هنر شـماره. ۲۸.

۲- بورکهـارت، تیتـوس (۱۳۷۰) ارزش هـای جاویـدان در هنـر اسـلامی. ترجمـه آوینـی، محمد. تهـران: برگ

۳- پرتـوی، پرویـن (۱۳۹۲) پدیـدار شناسـی مـکان. تهـران: انتشـارات متـن.

۴- پـوپ، آرتـور(۱۳۸۰) شـاهکارهای هنـر ایـران ترجمـه پرویـز ناتـل خانلـری. تهـران: انتشـارات علمی و فرهنگـی.

۵- پیرنیـا، محمـد کریـم (۱۳۸۶) سـبک شناسـی معمـاری ایرانـی. بازنویسـی غلامحسـین معماریـان. تهـران: انتشـارات سـروش دانـش، چـاپ چهـارم.

۶- دکـی، جیمـز (۱۹۸۷) معمـاری اسـلامی جهـان. نـگارش: میشـاییل، جـرج، لنـدن.

۷- زرگـر، اکبـر و دیگـران (۱۳۸۶) راهنمـای معمـاری مسـجد. تهـران: نشـر دید.

۸- شـیمل، آنمـاری (۱۳۷۶) تبییـن آیـات خداونـد: نگاهـی پدیدارشناسـانه بـه اسـلام، ترجمـه عبدالرحیم گواهـی. تهـران: دفتـر نشـر فرهنـگ اسـلامی.

۹- صایـغ، سـمیر (۱۳۸۰) هنـر دینی: گواه پیـام، راز و رمـز دینـی. مقالات ارائه شـده در اولیـن کنفرانس بین المللـی هنـر دینـی. تهـران .تنظیـم و ویرایـش مهدی فیـروزان. تهران: انتشـارات سـروش، چـاپ دوم.

۱۰- فلامکـی، محمـد منصـور (۱۳۸۱) ریشـه هـا وگرایـش هـای نظری معمـاری. تهران: نشـر فضا، چاپ سوم.

۱۱- مظلومـی، رجبعلـی (۱۳۶۶) روزنـه ای بـه بـا غ بهشـت، جلـد ۲، موضـوع: سـمینارها و نقدهـا دربـاره هنـر اسـلامی، نقد و تنظیـم: رجبعلی مظلومـی. تهران: انتشـارات جهاد دانشـگاهی دانشـگاه هنرهای اسلامی، چـاپ اول.

۱۲- نجیـب اوغلـو، گل رو (۱۳۷۹) هندسـه و تزئیـن

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

جدول ۹. مولفه های مشترک بناهای عبادی؛ ماخذ: نگارندگان.

پدیدار شناسی معماری مساجد			
فرم		پلان	
قداست و خلوص در فرم های اصلی	اتحاد آسمان و زمین، آسمان (عالم ملکوت)، زمین (جهان فانی)	سلسله مراتب ورود و ارتباط فضاها	صحن، شبستان، گنبد خانه، رواق
تعالی و عروج	محراب، گنبد خانه، شبستان، ایوان شبستان، حوض (آب)، حیاط و صحن، ایوان ورودی، فنا، حیرت، توحید، استغنا، معرفت، عشق، جستجوی حقیقت	توجه به اقلیم و بهره گیری از نقاط ضعف و قوت آن در طراحی	
وحدت و یکپارچگی		جهت یابی و استقرار بنا نسبت به قبله	N، W، E، S
شاخص بودن	شریعت، طریقت، حقیقت، رمز و نماد	پیچیدگی و تنوع در شیوه ساخت	
هندسه بکار رفته در مساجد		انواع کاربری ها و ارتباط آنها با مسجد	مسجد، مدرسه، حسینیه، تکیه، آرامگاه، خانقاه
مفهوم و نماد نهفته در معماری مساجد	کثرت در وحدت و وحدت در کثرت (وحدانیت) - رنگ، نور، نقش شمسه - «فضای خالی» یا «تهی بودگی» - سادگی و کمال - رمز و راز	فضای پر و خالی عملکردها (مثبت و منفی)	
فناوری ساخت عناصر	گنبد، سازه، ستون، استحکام، ابعاد، ارتفاع، مصالح	تناسبات فضایی و جانمایی عملکردها	
تنوع هنر به کار رفته در ظاهر و باطن	رنگ، نور، ترکیب حجم، تزیینات، خلاقیت، فرم، خطوط، سایه، ترکیب فضایی	مسیر های حرکتی در فضا ها (یک محور خطی اصلی)	
پدیدار شناسی ارتباطات مفاهیم کلامی	قداست، طبیعت، اعتبار، آرامش، شان، حس فضا، مسجد، دوام، عبادت، حس مکان، ایمان، اجتماع، استحکام، خانواده، وحدت	ارتباطات اصلی بین عملکردها	رواق، صحن، شبستان، ایوان
تنوع تزیینات	تزیینات، کار بندی، مقرنس، آبینه کاری، مشبک، گره چینی، گچ کاری، مقرنس - مشبک - گره چینی	درونگرا- برونگرایی	مسیر حرکتی
پیچیدگی در کالبد بنا	تزیینات، سطوح، فضای خ و، نما، فرم، ارتفاع، ابعاد، احجام	پدیدار شناسی عناصر القا کننده حس مکان	رواق، حوض، گنبد خانه، محراب، شبستان، آب، مناره، ایوان، صحن
پدیدار شناسی عناصر القا کننده حس تعلق	ایمان، معنوی، زندگی، مسجد، آیین، مراسم، عبادی، تجربه، قدسی	پدیدار شناسی عناصر القا کننده حس فضا	خطوط، گنبد، رنگ، تزیینات، روحانی، شبستان، سکوت، آیات قرآن، عبادی، نقش، حیاط، ستون، نور

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

در معماری اسلامی. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: نشر روزنه.
۱۳- نصر، سید حسین (۱۳۷۰) سنت اسلامی در معماری ایرانی در جاودانگی و هنر. ترجمه آوینی. تهران: انتشارات برگ.
۱۴- نصر، سید حسین (۱۳۷۵) صدرای شیراز در تاریخ و فلسفه اسلامی. به کوشش محمد شریف. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۵- هیلن براند، رابرت (۱۳۸۰) معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: نشر روزنه.
16- Burckhardt, Titus, 1374. Arabic art Or Islamic? Art Quarterly. 28.
17- Burckhardt, Titus, 1370. Immortal values in the Islamic art. Translator, Avini. Tehran: Barg.
18- Dickie, james. 1978. Architecture of the Islamic World. Edited by Michell, George; London, Thames & Hudson.
19- Falamaki, Mohamad Mansur. 1381. Roots and theoretical tendencies of architecture. Tehran: Faza.
20- Hillenbrand, Robert, 1380, Islamic Architecture. Translator Bagher Ayat Allah Zade Shirazi,Tehran: Rozaneh.
21- Mazlumi, Rajabali. 1366. An Opening to the Garden of Paradise, Volume 2, Subject: Seminars and critiques about Islamic art, Review and Adjustment: Mazlumi, Rajabali. Tehran: University Jihad.
22- Najib Oglu, Golru. 1379. Decoration And geometry Of Islamic architecture. Translator Mehrdad Gayumi Bidehendi. Tehran: Rozaneh.
23- Nasr, Seyyed Hossein. 1375. Islamic art and spirituality. Translator Rahim Ghasemian. Tehran: Office of Religious Studies Art.
24- Nasr, Seyyed Hossein. 1376. Sadra of Shiraz on Islamic History And philosophy. 1376. Tehran: Academic publishing.
25- Partovi, Parvin. 1392. Phenomenology places. Tehran: Matn.
26- Pirnia, Mohammad Karim. 1386. Style of Iranian architecture. Rewrite Gholam Hosein Memareian Tehran: surush Danesh.
27- Pope, Arthur, Iranian masterpieces of art. 1380. Translator Parviz Natel KHanlari. Tehran: Cultural and Scientific Publications.
28- Saiegh, Samir.1380. Religious Art: Witness Inquiry, Religious Mysteries. Offered Articles At Religious Mysteries The first International Conference. Tehran.
29- Schimmel, Annemarie. 1376. Explaining the Signs of Allah: Phenomenological view to Islam. Translator Abdolrahim Ghovahi. Tehran: Islamic Culture Publications Office.
30- Zargar, Akbar And others, 1386. Mosque Architecture Guide, Tehran: Did.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]